روزنامه صبح ایران
آرمان ملی
شماره ۱۳۳۹
سال پنجم
پنجشنبه
۱۴۰۱•۰۵•۱۳
۰۶ محرم ۱۴۴۴/ ۰۴ آگوست ۲۰۲۲
اذان ظهر ۱۳:۱۱ ■ اذان مغرب ۲۰:۳۴
اذان صبح (فردا) ۰۴:۲۸ ■ طلوع آفتاب (فردا) ۰۶:۰۸

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: نیره طاهری نیک
زیر نظر شورای سردبیری
نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی، روبروی تهران کلینیک، کوچه چهارم، پلاک ۲۰، طبقه ۳
تلفن: ۸۸۷۶۰۱۷۶ دورنگار: ۸۸۷۶۰۲۷۷ آگهی ها: ۸۸۵۴۵۱۹۸
چاپ: همشهری «۲» تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲
توزیع تهران و شهرستان: نشر گستر امروز ۶۱۹۲۳۳۳۳

نشانی اینترنتی: www.armanmeli.ir
آیین نامه اخلاق حرفه ای
روزنامه آرمان ملی را
در سایت بخوانید

عزاداری شب پنجم محرم – هیئت ثارا...

عکس: بهرام بیات

مراسم عزاداری شب پنجم محرم هیئت ثارا... زنجان، شامگاه سه‌شنبه (۱۱مرداد ۱۴۰۱) با سخنرانی حجت‌الاسلام «سیدمهدی خضری»، مداحی «حاج مهدی رسولی» و با حضور خیل عظیم عاشقان اهل بیت(ع) برگزار شد.

غیر محرمانه

توهین جدید طالبان

طالبان دو مراسم بزرگ فرهنگی و مذهبی، از جمله عاشورا و نوروز را از تقویم رسمی‌شان در سال ۱۴۴۴ قمری، حذف کردند. منابع موثق محلی دوشنبه ۱۰ اسد/ مرداد به خبرگزاری صدای افغانستان [پنجشیر نیوز] می‌گویند رهبری گروه طالبان روزهای تعطیلی عاشورا و نوروز را از تقویم رسمی‌شان حذف کرده‌اند. عاشوار از مهم‌ترین مراسم مذهبی اهل تشیع به حساب می‌رود که همه‌ساله با برگزاری مراسم خاص از سوی شهروندان اهل تشیع افغانستان گرامی داشته می‌شود.

سیف‌العدل کجاست؟

یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس حضور سیف‌العدل از رهبران احتمالی القاعده در ایران را تکذیب کرد و گفت که انتشار چنین اخباری در فضای مجازی صرفا کار بنگاه‌های خبرپراکنی بیگانه و آمریکاست. فداحسین مالکی در واکنش به انتشار اخباری در فضای مجازی درباره حضور سیف‌العدل در تهران گفت: این یک بحث انحرافی است که با توجه به دخالت آمریکایی‌ها در کشورهای دیگر مطرح می‌شود.

حمله به هالک ایرانی

علیرضا استکی، سرمربی تیم‌ملی بوکس ایران نسبت به حواشی سجاد غریبی واکنش نشان داد. او در خصوص واقعی بودن یا نبودن این مسابقه گفت: به نظر واقعی بود ولی در کل ورزش ایران تحقیر شد. شما دانیال شه‌بخش، شاهین موسوی، امیر علی‌اکبری و بقیه را در نظر بگیرید که انقدر که این مساله وایرال شد اتفاقات خوب و افتخارات دیده نشد. کسی نمی‌داند شه‌بخش چه کار بزرگی کرده است.

تجمع کارگران در قزوین

تعدادی از کارگران شرکت تولی‌پرس قزوین که روزسه‌شنبه دست به اعتراض صنفی زده بودند، ظهر دیروز چهارشنبه (دوازدهم مرداد) از وعده فرماندار برای پیگیری مطالباتشان با حضور در کارخانه خبر دادند. به گفته تعدادی از کارگران کارخانه تولی پرس قزوین، تجمع پریروز (سه‌شنبه ۱۱مرداد) کارگران تولی پرس در اعتراض به ممانعت از ورود شمار زیادی از همکاران که برای پیگیری مطالبات صنفی خود به فرمانداری مراجعه کرده بودند، صورت گرفت که در نهایت به درگیری منجر شد. یکی از کارگران درباره حواشی اعتراض خود و همکارانش به ایلنا گفت: به دنبال بی‌توجهی کارفرما به پرداخت مطالبات سه‌ماهه کارگران و نارضایتی از وضعیت موجود کارخانه، تعداد زیادی از همکاران برای پیگیری مطالبات خود به فرمانداری مراجعه کرده بودند.

سانحه هواپیمایی در شیراز

روابط عمومی نیروی هوافضای سپاه از وقوع سانحه برای یک فروند هواپیمای سوخو ۲۲ این نیرو به دلیل نقص فنی در پایگاه هوایی شیراز خبر داد. روابط عمومی نیروی هوافضای سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد : صبح دیروز (چهارشنبه ۱۲مرداد) یک فروند هواپیمای سوخو ۲۲ متعلق به نیروی هوافضای سپاه هنگام برخاستن در پایگاه هوایی شیراز دچار نقص فنی شد و خلبانان ناگزیر به استفاده از سامانه صندلی پران (اجکت) شدند. در ادامه این اطلاعیه آمده است : در این سانحه بحمدا... خلبانان با عکس‌العمل بهنگام در سلامت کامل هستند.

معرفی به‌عنوان «شمر» در یک کنسرت

محمد فیلی بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون ضمن اشاره به آسیب‌های بازپخش «مختارنامه» بیان کرد که به‌عنوان «شمر» در یک کنسرت معرفی شده است. محمد فیلی با اشاره به اینکه بیشتر با نقش‌های منفی‌اش شناخته می‌شود، اظهار کرد: چند وقت پیش به کنسرتی رفته بودم که خواننده وقتی می‌خواست من را معرفی کند گفت «شمر مختارنامه» امشب اینجاست! (می‌خندد) انگار نه انگار که من اسم و فامیل خودم را دارم.

پیشنهاد عجیب

شهربانو منصوریان در واکنش به باخت هالک ایرانی به او پیشنهاد عجیبی داد. شهربانو منصوریان قهرمان ووشو در واکنش به شکست سجاد غریبی مقابل حریف قزاقستانی گفت: یک هفته با من تمرین کنی کل دنیا را شکست می‌دهی!

خبر آخر

حذف شرط کارت پایان خدمت برای پرداخت وام فرزندآوری

آرمان ملی: اجرای بخشنامه تعیین وضعیت سربازی برای پرداخت وام فرزندآوری با دستور رئیس کل بانک مرکزی متوقف شد. با ابلاغ بخشنامه اخیر مبنی بر مشروط بودن ارائه تسهیلات فرزندآوری به افراد ذکور به استعلام وضعیت مشمولان از سازمان نظام وظیفه (حسب بند (ب) ماده ۱۰ قانون خدمت وظیفه عمومی)، رئیس کل بانک مرکزی دستور داد ضمن توقف اجرای بخشنامه مذکور، هماهنگی لازم با سازمان نظام وظیفه عمومی به‌منظور تسهیل در پرداخت وام یادشده به متقاضیان انجام شود. مقرر شد تا با قید تسریع، موضوع در کمیسیون‌های تخصصی بانک مرکزی بررسی شده و پس از هماهنگی لازم با سازمان نظام وظیفه، بخشنامه اصلاحی، جهت اجرا به شبکه بانکی ابلاغ شود. پیش از این و از سال ۱۳۹۵ بر اساس هماهنگی‌های انجام شده بین بانک مرکزی و سازمان وظیفه عمومی، پرداخت تسهیلات ازدواج و بیماری‌های خاص از مفاد ماده ۱۰ قانون خدمت وظیفه عمومی مستثنی شده بود.

ذره بین

اکبر نصراللهی:

رسانه‌ها اخبار تلخ را بدون تهدید امنیت روانی بازتاب دهند

آرمان ملی: انتشار تصاویر دلخراش و غیرواقعی در جلد دو روزنامه هم‌میهن و ابتکار از واقعه سیل استهبان می‌تواند بهانه‌ای باشد تا بار دیگر قوانین و ضوابط گرفتن و انتشار تصویر در رسانه‌ها را مرور کنیم. هرچند به نظر می‌رسد انتشار تصاویر در بحران به‌ویژه توسط عامه مردم در حوادث طبیعی، اتفاقی فراتر از ضوابط حرفه‌ای رسانه‌هاست و نیازمند آموزش عمومی است. اکبر نصراللهی استاد علوم ارتباطات و نویسنده کتاب، معتقد است حل این مساله در گرو مشارکت دستگاه‌های قانون‌گذار مانند مجلس، اعمال مجازات توسط قوه قضائیه برای متخلفان و آموزش عمومی در دستگاه آموزشی کشور شامل مدارس و دانشگاه‌ها و البته با مشارکت و اقناع توسط رسانه‌هاست. در ادامه گفت‌وگوی مهر را در این باره می‌خوانید:

آقای نصراللهی به‌نظرتان نقش و تأثیر رسانه‌های رسمی در انتشار تصاویر دلخراش از وقایع چه تفاوتی با رسانه‌های اجتماعی دارد؟

هیچ‌تفاوتی ندارد که رسانه رسمی باشد یا غیر رسمی. همه رسانه‌ها همه کسانی که تریبون و مخاطب دارند باید همزمان به دو حق مخاطب توجه داشته باشند: مردم هم حق دارند از اطلاعات و اخبار پیرامون‌شان مطلع باشند، هم حق دارند امنیت روحی و روانی‌شان در معرض تعرض قرار نگیرد. از طرف دیگر رویدادهایی که در کشور اتفاق می‌افتند، هر دو سوی ماجرا را در خود دارند و این طور نیست که همه‌شان مثبت و آرامش‌بخش باشند. قطعاً وقایعی وجود دارند که تلخ‌اند و رسانه‌ها هم موظف هستند همان‌طور که اخبار خوب را منتشر می‌کنند اخبار تلخ را هم بازتاب دهند. اما این هم دلیلی نمی‌شود که رسانه‌ها به بهانه حق مردم برای دانستن، تصاویر و ویدئوهایی را به اشترک بگذارند که امنیت روحی و روانی مردم به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر مثل خردسالان، بزرگسالان و جوانان در معرض تهدید قرار گیرد. بنابراین من فرقی بین رسانه‌های رسمی و غیررسمی قائل نیستم و اگر رسانه‌های غیررسمی با تأسف به مسئولیت خودشان پایبند نیستند و فکر می‌کنند چون هویت‌شان غیرواقعی است یا جایی به ثبت نرسیده‌اند مجاز هستند هر چیزی را منتشر کنند، اگرچه ممکن است به لحاظ قانونی تبعاتی نداشته باشد اما از لحاظ اخلاقی مانع از افتادن بار مسئولیت به دوش آن‌ها نیست.

از آن‌جا که مردم عادی از ضوابط حرفه‌ای فعالیت خبری آگاه نیستند، در بازتاب وقایع برخی مسائل را رعایت نمی‌کنند. به اشتراک‌گذاری این دست محتواها عمدتاً در شبکه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد و معلوم نیست که باید با آن‌ها برخورد قانونی بشود یا نه.

گاهی مردم عادی از یک بحرانی عکس و فیلم می‌گیرند و به اشتراک می‌گذارند و امنیت روحی و روانی سایرین را به خطر می‌اندازند. از یک سو به آنان ایرادی وارد نیست چون آن‌ها نمی‌دانند و کار حرفه‌ای را بلد نیستند. اما این اشکال در رسانه‌های رسمی، مطبوعات و رادیو تلویزیون اصلاً قابل اغماض نیست. چون مردم عادی برای جلب تبعات منفی این کار و از روی ندانستن پیامدهای مخرب آن این کار را انجام می‌دهند. البته باید سواد رسانه‌ای آن‌ها را هم بالا برد تا آن‌ها هم برای هر لایک، به اشتراک‌گذاری، رفتاری مسئولانه را در پیش بگیرند. من از اصطلاح «تقوای مجازی» استفاده می‌کنم. همه افراد وقتی کسی را فالو می‌کنند یا محتوایی را لایک می‌کنند و به اشتراک می‌گذارند باید بدانند که این کنشگری‌شان بر حس تقوا باشد چون هر کدام از این حرکت‌ها، معنایی دارند و لایک و به اشتراک‌گذاری‌شان به نوعی سهیم شدن در انتشار آن محتوا و مسئولیت‌آفرین است. اگر مردم عادی به واسطه ندانستن مسئولیت‌شان و ندانستن پیامدهای مخرب یک ویدئو چیزی را به اشتراک می‌گذارند اگرچه درخور انتقاد و سرزنش هستند اما چون آگاه نیستند، مقداری قابل اغماض است. اما درباره رسانه‌های رسمی این طور نیست و هیچ اشتباهی قابل اغماض نیست و اینکه برای جلب توجه مخاطبان دست به انتشار هر تصویری بزنند کاری غیرمسئولانه است.

چه اقدامات پیشگیرانه‌ای را می‌توان در پیش گرفت تا در رسانه‌ها چنین رفتاری تکرار نشود؟

جلوگیری از انتشار تصاویری که احساسات عمومی را جریحه‌دار می‌کنند مخصوص ایران نیست. جهان غرب خیلی زودتر از اینها به این حق مخاطب توجه کرده‌اند و به آن هم حساس هستند. یعنی امکان ندارد شما مثلاً در توفان کاترینا یا ماجرای تیراندازی به دانش‌آموزان در سندی‌هوک یا همین تیراندازی اخیر در مدرسه‌ای در تگزاس، تصاویری ببینید که یک لکه خود در رسانه‌های رسمی‌شان منتشر شده باشد. آن‌ها خبر را منتشر می‌کنند اما در تصاویرشان نمای باز و ساختمان‌های عمومی است و به هیچ عنوان تصاویر قربانیان و خون و این چیزها را منتشر نمی‌کنند. حتی وقتی می‌خواهند پلیس را نشان دهند طوری این کار را می‌کنند که تسلط پلیس بر آن واقعه نشان داده شود. یا مثلاً وقتی که دانش‌آموزان قربانی شده‌اند، مسئولان را طوری نشان نمی‌دهند که مثلا در حال خندیدن باشند. اما ما در کشور خودمان به وفور در سیل و زلزله و آتش‌سوزی حوادث، عکس‌های آرشیوی از مسئولان می‌گذاریم که آن مسئول دارد می‌خندد یا پلیس را نشان می‌دهیم که مستاصل است یا جنازه‌ها و زخمی‌ها را نشان می‌دهیم که زیر آوار هستند. چنین رفتاری در دنیای مدعی آزادی هم سابقه ندارد. چرا این اتفاق می‌افتد؟چون قوانین و مقرراتی وضع کرده‌اند و مجازات‌های سنگینی وضع کرده‌اند تا کسانی که احساسات عمومی را جریحه‌دار کنند یا به افکار عمومی مردم تعرض کنند، مورد مجازات قرار بگیرند. البته به مردم هم آموزش داده‌اند وگرنه امکانات ارتباطی که در آن‌جا به مراتب بیشتر از اینجاست ولی شما به هیچ عنوان در توفان کاترینا که پرتلفات‌ترین واقعه بعد از جنگ‌های داخلی آمریکا بوده و حدود ۱۸۰۰ نفر کشته شدند، هیچ جنازه‌ای را نمی‌بینید. این نشان‌دهنده آن است که در مسائل روحی و روانی در کشورهای دیگر به مراتب نسبت به کشور ما حساسیت‌برانگیزتر هستند. اما در ایران چون راجع به این مسائل و حق و حقوق مردم و لزوم حفظ امنیت روانی‌شان، در مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه‌ها و دستگاه قانونگذاری و قوه قضائیه ما کم توجهی شده، افراد به راحتی تصاویر خشونت‌آمیز را منتشر می‌کنند. در ماجرای فاجعه منا هم این اتفاق را شاهد بودیم که رسانه‌های ما چه چپ و چه راست، حجاج را در آن واقعه نشان دادند که زیر دست و پا هستند. ما همواره مکه را به عنوان خانه امن معرفی کرده و نشان داده‌ایم. قطعاً آل‌سعود جنایت کرده است اما قرار نیست ما برای اینکه جنایت آل‌سعود را برجسته کنیم حجاج را با آن وضع نشان دهیم و هیچ کدام ما حاضر نیستیم که بستگان ما با آن وضع دیده شوند. کشورهای مدعی آزاد اصلاً این طور نیستند که این گونه تصاویر را نشان دهند.

یادداشت

سخن عشق در سال‌های بحران خیز؟!

شادمان شکروی
پژوهشگر ادبی

کرونا، سیلاب، ریزگرد، تگناهای اقتصادی، از جمله دشواری‌ها و بلکه بحران‌های فعلی جامعه جهانی است. در کشور ما هرسه با هم وجود دارد. شاید در چنین شرایطی سخن از عشق گفتن و در خصوص عشق نوشتن، بیش از حد فانتزی به نظر برسد. با این حال تصور نمی‌کنم در گذشته‌های دور وضعیت تاریخ جهان و تاریخ ایران، به دور از این شرایط بوده باشد. گاهی کم گاهی بیش. صرفا کافی است یک حمله و سلطه مغول را در ذهن مجسم کرد. در چنین شرایطی (کمابیش) استادان ادبیات غنایی ما و از جمله فخرالدین اسعدگرگانی، مولانا جلال‌الدین، فخرالدین عراقی، نظامی، عطار، نظامی، سعدی و البته حافظ، عاشقانه‌های پرشوری آفریده‌اند. زمانی که این عاشقانه‌ها را می‌خوانی شرایط محیطی را فراموش می‌کنی و از یاد می‌بری که قرون چهارم، پنجم، ششم، هفتم و هشتم نیز شرایط بحرانی خاص خود را داشته‌اند. در زمان حاضر، بیش از همه به گابریل گارسیا مارکز مدیون هستیم که به گفته خودش عشق را دستمایه آثار خویش قرار داده است. عشق درسال‌های وبایی البته عنوان گویایی دارد اما عشق در دوره فقر، بحران‌های سیاسی و اقتصادی، آنچنان گویا نیست و نیاز به نمایش خاص خود دارد. آنچه مارکز به بهترین شکل انجام داده است. متأسفانه هیچ‌گاه نتوانسته‌ام به سمت و سوی ادبیات غنایی و عاشقانه بروم. در مسابقات داستان نویسی دانشجویان شاهد آثار لطیف عاشقانه از نویسندگان جوان بودم که البته تا حد زیادی اقتضای سن و سال آنها بود. برخی از این آثار نشان از استعداد ذاتی نویسنده داشت. می‌توانستی امیدوار باشی که چنین فردی در صورتی که همین مضمون را دنبال کند در آینده می‌تواند به خلق آثار برجسته با مضمون عشق دست بزند. چه عشق به اصطلاح آسمانی و چه عشق به اصطلاح زمینی. آنچه شاید در بطن موجودی به نام انسان بر خلاف ظاهر چندان هم از یکدیگر متمایز نباشند. غیر متمایز به سبب اینکه نمودهای دوگانه یک شخصیت واحد هستند. متأسفانه با توجه به اینکه این شیوه دشوار است و جامعه در ارزیابی آن چندان هم که شایسته است منطقی عمل نمی‌کند، این افراد اگر ادبیات را کنار نگذارند مجبور به پرداختن به مضامین دیگر می‌شوند و یا در صورت حفظ مضمون، به ادبیات سطحی و بازاری روی می‌آورند. جایی که مجالی برای عشق واقعی نمی‌گذارد. این اسباب تاسف است چون حداقل ادبیات دیرینه و باشکوه فارسی به ما آموخته است که عشق بزرگ‌ترین موهبتی است که خداوند به انسان ارزانی داشته است. اسباب تاسف است که ما چنین دیرینه باشکوهی داشته باشیم و آنگاه یک نویسنده کلمبیایی آن را دستمایه آثار خود بکند و جهان را تحت تاثیر جدی قرار دهد. هرچند ادبیات کارایبی هم برای خودش دیرینه دارد ولی به هیچ عنوان با ادبیات فارسی قابل مقایسه نیست. با این حال ظاهرا که ادبیات کارایبی به مراتب بر ادبیات فارسی رجحان یافته است. واقعا حیف به نظر می‌رسد. به‌هرحال قرن‌ها از نمود لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد، وامق و عذرا و امثالهم در ادبیات ما گذشته است. به همین ترتیب عاشقانه‌هایی که بن‌مایه‌های عارفانه دارند و با شور و شوق عشق الهی ممزوج‌اند. تصور نمی‌کنم انسان‌ها در عصر تکنولوژی چندان هم به موجودات شبه ربات بدل شده باشند که به کل از گذشته خویش منفصل گردیده باشند. ضمن اینکه اگر گابریل گارسیا مارکز عشق میان فلورنتینا آریزا و فرمینا دازا (عشق سال‌های وبایی) در زمان معاصر را آنقدر زیبا و جاندار نشان می‌دهد، و به گفته خودش مایه اصلی داستان را از یک ماجرای واقعی در یک روزنامه آلمانی گرفته است، لابد باید نظیر این در گوشه و کنار جهان و از جمله در کشور ما وجود داشته باشد و کم هم نباشد. ظاهرا که منطق می‌گوید نقش کم نیست از تعداد نقاش کم شده است. منظورم نقاشان سطحی نیست. نقاشانی در حد لئوناردو داوینچی، ونگوگ و کمال‌الملک که زندگی خود را وقف نقش‌بندی‌های خود کرده باشند. آنان که با همه تفاوت‌های زمانی و زبانی معتقد باشند که عشق هرگز نمی‌میرد و باشکوه‌ترین نمود روحی موجودی به نام انسان با همه ناشناختگی است.

اینفوگرافیک

۱۵ درصد بازار کار سهم زنان

منبع: تحلیل بازار / علی کریمی